

بررسی و شناسایی آثار و محوطه‌های تمدن رویان از دیدگاه باستان‌شناسی

حسن هاشمی زرج‌آباد

عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند

مقدمه

مقاله حاضر به‌عنوان طرح پژوهشی دانشگاه مازندران و با استفاده از اعتبارات این دانشگاه در طی دو فصل بررسی باستان‌شناسی در مرداد ۱۳۷۹ آغاز و در سال ۱۳۸۰ به پایان رسید. اعضای هیئت بررسی، آقایان سید مهدی موسوی کوهپر، دانشجوی دوره دکتری دانشگاه برادفورد انگلستان و آقای رحمت عباس‌نژاد عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران به‌عنوان مجریان طرح و نگارنده به‌عنوان همکار طرح بوده است. لذا شایسته است از معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران و مجریان طرح به دلیل زحماتشان صمیمانه سپاسگذاری نمایم. همچنین از آقای علی زارعی که همکاری صمیمانه‌ای در نگارش این مقاله داشته‌اند سپاسگذاری می‌شود.

نام رویان در زامیا یشت «راوی دیتا» و در بند هشن «روئیشن» آمده است.^۱ مشهور است تیری که آرش کمانگیر برای رفع اختلاف حدود ملکی میان ایران و توران از کمان رها نمود از کوهی در سرزمین رویان بوده است. این کوه در کتاب یشت‌ها به‌نام «آریو کشنا» آمده است.^۲ بر پایه تقسیمات جغرافیایی موسی خورن (مورخ و جغرافی‌دان قرن چهارم قبل از میلاد) در کتاب



جغرافیای جهان، ایران به چهار ناحیه بزرگ شامل کوست خوربران، کوست نیمروز، کوست خراسان و کوست کاپکو (قفقاز) تقسیم شده که طبرستان و رویان در آن قرار گرفته‌اند.^۳ جغرافی‌نویسان متقدم مسلمان ابن‌فقیه همدانی (۲۹۰ ق) و اصطخری (۳۴۰ ق) ایالت رویان را بخش غربی طبرستان به‌شمار آورده‌اند که شهرهای چالوس (شالوس)، ناتل (نور)، کلار (کلاردشت)، و کجه (حاکم‌نشین رویان) در آن قرار داشتند.^۴ طبرستان و رویان قبل از ورود آریائی‌ها زیستگاه اقوامی به‌نام تیپوری‌ها و آماردها بودند که پس از هجوم آریائی‌ها به‌تدریج فرهنگ و آیین ایرانی‌ها را پذیرفتند.^۵ طبرستان که در قرن اول حکومت ساسانی پرشوارگر نامیده می‌شد،^۶ به علت موقعیت سوق‌الجیشی و کوهستانی آن به‌ویژه منطقه رویان که همچون دژی تسخیرناپذیر بوده است هرگز به تصرف قطعی شاهان ساسانی درنیامد. لیکن ساسانیان همواره نماینده‌ای از جانب خویش به طبرستان اعزام می‌داشتند که این وضعیت تا سقوط سلسله ساسانی ادامه داشته است.^۷ بنا به نوشته ابن اسفندیار در قسمت غربی ایالت طبرستان موسوم به ولایت رویان یکی از شعبات اسپهبدان طبرستان به‌نام پادوسبانان از سال ۴۵ تا ۱۰۰۵ ق حکومت می‌کردند.^۸ لسترنج می‌گوید: پادوسبان نام خاندان حکمرانان رویان بود که تقریباً هشتصد سال یعنی از زمان هجوم اعراب تا حمله مغولان پادشاهان نیمه‌مستقل آنجا بودند.^۹ نام رویان روی مهرهای ساسانی به‌صورت لودان ذکر شده است.^{۱۰}

ابن‌فقیه همدانی صاحب کتاب *البلدان* که در سال ۲۹۰ ق آن را گرد آورده است؛ در فصلی به‌عنوان *القول فی طبرستان* می‌نویسد: رویان بزرگ‌ترین شهر کوهستانی طبرستان است. در خاک رویان شهری است که «کجه» می‌خوانند این شهر مرکز حاکم‌نشین رویان است.^{۱۱} منابع متعدد اسلامی مرکز رویان را شهر کجو یا کجور معرفی می‌کنند.^{۱۲}

اصطخری در کتاب *مسالك الممالك* خود که میان سال‌های ۳۲۲-۳۱۸ ق تألیف کرده است از کوه‌های روینج (رویان) نام می‌برد. در کتاب *حدود العالم من المشرق الى المغرب* که به سال ۳۷۲ ق تألیف شده است آمده که قسمتی از خاک طبرستان، سلطانی جداگانه به‌نام «استندار» داشت و شهرهای ناتل و چالوس و رودان (رویان) و کلار جزء این قسمت بود. یاقوت در *معجم‌البلدان* خود که به سال ۶۲۳ ق نوشته است، ذیل کلمه رویان می‌نویسد: رویان نام شهری



بزرگ و کوره وسیعی از کوه‌های طبرستان است. عبدالمؤمن در کتاب *مرآة الاطلاع* خود به سال ۷۰۰ ق می‌نویسد: «این شهر بزرگ‌ترین شهر کوهستانی طبرستان است و حدود خاک آن به کوه‌های ری می‌رسد».^{۱۳}

در قرن هفتم هجری مقارن حمله مغولان، نام طبرستان متروک و اسم مازندران جانشین آن شد. به دنبال آن نام رویان به «رستمدر» تغییر یافت. رابینو همچنین مناطق کجور، ناتل، خورشید رستاق و شالوس (چالوس) را جزو ایالت رویان معرفی می‌کند.^{۱۴} میرسید ظهیرالدین مرعشی در کتاب *تاریخ گیلان و دیلمستان* که در سال ۸۸۰ ق تألیف گردید بارها واژه «رستمدر» را ذکر نموده است. وی حدود جغرافیایی رستمدر را با کمی اختلاف مرزی با رویان یکی دانسته است و شهر «کجه» را همچنان حاکم‌نشین آن معرفی می‌کند.^{۱۵}

سلاطین حاکم بر ایالت رویان که از دوره ساسانیان با نام پادوسپانان از سال ۴۵ ق بر این منطقه مسلط گشته بودند هنگام حکومت علویان دست‌نشانده آنان و پس از علویان دست‌نشاندهگان آل بویه و باوندیان و تیموریان بودند و سرانجام رشته حکومت آنان توسط شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۵ ق برچیده شد.^{۱۶}

۱- پیشینه پژوهش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی

استان مازندران علی‌رغم غنا و فراوانی آثار تاریخی متأسفانه سهم ناچیزی در پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی ایران داشته است که البته بخش غربی نسبت به شرق مازندران به ندرت مورد پژوهش و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی قرار گرفته است. کهن‌ترین مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی مازندران را ژاک دمردگان (J. D. morgan) در سال ۱۸۹۶م/ ۱۲۷۵ش انجام داد.^{۱۷} کاوش و بررسی در دو غار کمر بند و هوتو^{۱۸}، کاوش‌های شهر جرجان^{۱۹}، حفاری دیوار تمیشه^{۲۰}، همگی در شرق مازندران انجام شده است ولی بخش غربی هنوز کاوش و بررسی جامع، هدفمند و دقیق باستان‌شناسی را به خود ندیده است.

در گذشته جغرافی‌دانان مسلمان از جمله ابن‌رسته، ابن‌حوقل، اصطخری و مورخانی نظیر ابن‌اسفندیار اولیاء... آملی، میرظهیرالدین مرعشی و سیاحان خارجی چون رابینو، ملگونف

اطلاعات با ارزشی از وضعیت جغرافیایی و حوادث و رویدادهای تاریخی و سیاسی غرب مازندران ارائه داده‌اند. از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی به‌جز حفاری تپه کلاژ کلازدشت و بررسی مقدماتی فریا استارک (Freya Stark) از کلازدشت^{۲۱} و رویان و بررسی دکتر منوچهر ستوده که به توصیف آثار غرب مازندران در کتاب *از آستارا تا آستراآباد*، جلد سوم پرداخته است و چند برنامه بررسی و گمانه‌زنی پراکنده و موردی تاکنون هیچ‌گونه برنامه جامع بررسی و کاوش هدفمند و روشمند باستان‌شناسی در این منطقه انجام نشده است.

در این راستا در مرداد ۱۳۷۹ پروژه‌ای تحت عنوان «بررسی باستان‌شناسی غرب مازندران، منطقه نور و کجور»، آغاز و طی دو فصل پژوهش میدانی منجر به شناسایی ۶۱ اثر فرهنگی شامل محوطه‌های باستانی، بقایای مسکونی و آثار معماری تمدن رویان گردید.

۲- روش تحقیق، اهداف و راهبردهای بررسی

هدف اولیه بررسی و شناسایی آثار معماری، بقایای استقرار، تپه‌ها و محوطه‌های تمدن رویان و برآورد توان بالقوه واقعی این منطقه از نظر استقرارهای زیستی انسانی در دوره‌های مختلف فرهنگی است.

با توجه به شرایط اقلیمی منطقه، کوهستانی بودن، صعب‌العبور بودن راه‌ها و به‌ویژه تراکم فشرده پوشش گیاهی که از جمله موانع اصلی پژوهش‌های باستان‌شناسی شمال کشور است، گروه پس از مطالعات نظری درباره زمین‌شناسی و با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و پوشش گیاهی به این نتیجه رسید که با توجه به کمبود وقت و امکانات، محدودیت‌های طبیعی و گستردگی حدود جغرافیایی منطقه مورد بررسی (۱۱۸۶ کیلومترمربع) تمرکز مطالعات میدانی را به مناطق خاصی محدود نماید. لذا گروه پژوهش میدانی فعالیت خود را به‌صورت پیمایشی فشرده به مناطق مرکزی و شرقی معطوف ساخت. علت انتخاب این مناطق جهت بررسی علاوه بر وجود توان‌های زیست محیطی مناسب نظیر تعداد بسیاری محوطه‌های بالقوه، دسترسی به منابع آبی (رودخانه کجور و زانوس)، وجود راه‌های ارتباطی، گزارش جغرافی‌دانان و مورخان



متقدم نیز بوده است که عمدتاً به این مناطق (مرکزی و شرقی) اشاره داشتند. در واقع هسته اصلی تمدن رویان به‌ویژه پایتخت آن، شهر کجور، در این مناطق قرار داشت.

از سوی دیگر کمبود پژوهش از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی از علت‌های اصلی این گزینش بوده است زیرا با وجود بررسی‌های انجام شده در معرفی برخی آثار نام و نشانی از بسیاری از محوطه‌ها وجود ندارد، همچنین از موقعیت مکانی و نقشه پراکندگی آثار و محوطه‌ها اطلاعاتی در دست نیست (نگاهی به نقشه باستان‌شناسی کشور گویای این مسئله است).

بدین ترتیب در طی دو فصل بررسی پیمایشی فشرده در دو دهستان زانوس رستاق (شرق) و توابع کجور (مرکزی) مساحتی بالغ بر ۸۲۰ کیلومترمربع تحت پوشش و بررسی قرار گرفت و گروه برای نخستین بار موفق به شناسایی و معرفی بسیاری از محوطه‌ها، تپه‌ها، بقایای مسکونی و ... و تهیه نقشه توزیع پراکندگی آثار و تاریخ‌گذاری هر محوطه براساس شواهد و مدارک باستان‌شناسی گردید (نقشه شماره ۱).

۳- مشخصات جغرافیایی منطقه مورد بررسی

رویان که امروزه به نام «کجور» مشهور است از نظر مشخصات و موقعیت جغرافیایی در غرب استان مازندران قرار دارد. کجور در ۷۰ کیلومتری نوشهر، ۱۳۰ کیلومتری ساری و ۲۰۰ کیلومتری تهران و محصور در حصارهای کوهستانی که از دو جهت شرقی- غربی ورود به آن منطقه امکان‌پذیر است.

این منطقه از سمت شمال به دریای خزر و شهرستان‌های چالوس و نوشهر، از جنوب به کوه‌های البرز و کرج و از شرق با شهرستان نور و از غرب به کلاردشت و مرزن‌آباد محدود می‌گردد.^{۲۲}

این ناحیه منطقه‌ای کوهستانی با آب و هوای سرد و پربرف و از نظر نظام بارش میانگین ریزش ۸۰۰ میلی‌متر در سال است. مهم‌ترین رودخانه دائمی این ناحیه، رودخانه کجور است که از ارتفاعات ۳۴۰۰ متری سرچشمه می‌گیرد. این منطقه دارای مساحتی بالغ بر ۱۱۸۶ کیلومترمربع متشکل از ۳ دهستان (توابع کجور، زانوس رستاق، پنجک رستاق) و ۷۹ آبادی است.^{۲۳}



۴- تپه‌ها و محوطه‌های باز (Site Open)

الف) محوطه ناسنگ (K.N.9)

محوطه ناسنگ در موقعیت ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۹ دقیقه شمالی واقع شده است. ارتفاع محوطه از سطح دریا ۲۲۵۸ متر است. محوطه ناسنگ که منطقه‌ای است به طول و عرض ۵۰۰×۱۵۰ متر، مجموعه‌ای از آثار شامل برج مقبره درویش امیر، بقایای ساختمانی (تصویر ۱)، گورستان و بقایای حمام را در خود جای داده است. در قسمت‌های مختلف محوطه آثار حفاری غیر مجاز زیادی دیده می‌شود که این امر با توجه به دور بودن ناسنگ از مراکز انسانی و آبادانی شدت یافته است. شاخص‌ترین اثر مجموعه ناسنگ، برج مقبره درویش امیر است.

۸. K. D. که بر فراز صخره‌ای واقع در دامنه غربی و مشرف به محوطه قرار دارد (تصویر ۲ و ۳). پلان برج مقبره از داخل و خارج هشت ضلعی است. سقف بنا که گنبدی از نوع رک بوده کاملاً تخریب گردیده است. نکته قابل توجه در این بنا استفاده از چوب در درون دیوارها و محل اتصال ساقه و گنبد می‌باشد. این امر به احتمال زیاد از ویژگی‌های انعطاف‌پذیری بنا برای مقاوم بودن در برابر زلزله و توزیع متعادل سنگینی گنبد به همه قسمت‌های بنا است. دونالد ویلبر می‌گوید: «کاربرد چوب به عنوان مصالح ساختمانی بسیار محدود بود. در بحث گنبدها از استعمال تیرها و تیرک‌ها به عنوان عناصر استحکام‌بخشی و برپادارنده استفاده می‌کردند. معماران می‌دانستند شالوده‌های نیرومند و عمیق بر ضد آسیب‌های زمین‌لرزه وسیله اطمینان‌بخش است. ابعاد ضخیم‌تری به دیوارها داده می‌شد تا در صورت تکان و لرزش بتوانند بار گنبدها را تحمل کنند»^{۲۴}. مصالح به کار رفته در برج مقبره آجر، ملاط گچ و ساروج است. پی بنا از لاشه سنگ ساخته شده و ابعاد هر آجر ۲۲×۲۲×۴/۵ سانتی‌متر است.

در فاصله ۲۰۰ متری جنوب شرقی مقبره درویش امیر بقایای حمامی که در واقع مربوط به شبکه گرمادهی حمام است، درون گودالی به عمق ۱/۸۰ و قطر ۱/۴۰ سانتی‌متر کشف گردید. در این گودال ۴ شبکه گره‌رو که با مصالح لاشه سنگ از آره و پی با ملاط گل به صورت سنگ‌چین ساخته شده است (تصویر ۴). آثار دودزدگی در شبکه‌های حمام هنوز دیده می‌شود. شبکه‌های



حمام دارای ۴ ردیف سنگ‌چین عمودی و ۳ ردیف افقی در شبکه شرقی و ۵ ردیف عمودی و ۴ ردیف افقی در شبکه شمالی است. ابعاد و اندازه این شبکه‌ها به قرار ذیل است: (پلان ۱)

شبکه شرقی: شبکه شمالی:

طول شمالی - جنوبی ۷۸ cm طول شمالی - جنوبی ۸۴ cm

طول شرقی - غربی ۹۷ cm طول شرقی - غربی ۴۵ cm

ارتفاع ۵۰ cm ارتفاع ۴۸ cm

قطر دهانه ۴۸ cm قطر دهانه ۴۳ cm

عمق راهرو ۱۲۰ cm عمق راهرو ۱۱۸ cm

درون گودال و اطراف خاک‌های ریخته شده که توسط حفاران غیرمجاز حفر شده بود. قطعات سفالی و به‌ویژه لوله‌های سفالی (تنبوشه‌های سفالی) مخصوص انتقال آب به‌دست آمد که آثار رسوب‌زدگی آب و جرم به وضوح در آن قابل رؤیت است.

ب) تپه دیارک (K.D.52)

این تپه در موقعیت ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این تپه در روستای کندلوس، که روستای مذکور جزء دهستان زانوس رستاق است، قرار گرفته است. تپه در مرکز روستا و در ۱۰۰ متری جنوب غربی موزه مردم‌شناسی و باستان‌شناسی کندلوس واقع شده است.^{۲۵} در سطح تپه قطعات سفالی زیادی به‌دست آمده که عمدتاً به دوران اسلامی تعلق دارند. در میان آثار سفالین به‌دست آمده نکته قابل توجه ظرف سفالی خاکستری لوله‌داری است که توسط یکی از ساکنین روستا به گروه ارائه گردید و بنا به اظهارات نامبرده ظرف متعلق به همین تپه است. این ظرف لوله‌دار از نوع ظروف تدفین بوده که سطح خارجی آن دارای نقشی شبیه گل پنج‌پر (نماد خورشید) است (تصویر ۵).

ظرف مذکور قابل مقایسه با قوری‌های مشبک لوله‌دار مراکز تمدن هزاره اول ق.م. کوهمپایه‌های گیلان، آذربایجان، مازندران، رشته‌کوه‌های زاگرس و به‌ویژه گورستان قیطریه است. متجاوز از ۱۵ ظرف در قیطریه دارای نقش‌های خورشیدی به‌صورت پنج تا دو دایره تو در تو



هستند.^{۳۶} به غیر از تپه دیارک در تپه پیدابک لاشک (K.P.60) نیز قطعات سفالی خاکستری-سیاه شکسته از نوع ظروف لوله‌دار به‌دست آمد (تصویر ۶).

ج) مرکز صنعتی آفله (K.A.30)

مرکز صنعتی آفله تپه‌ای است نسبتاً وسیع به طول و عرض ۲۵۰×۱۵۰ و ارتفاع ۲۵ متر از سطح زمین‌های اطراف که همچون کوهی از سرباره‌های ذوب فلز از دور نمایان است. تپه در سمت چپ ورود به روستای «خاچک» از توابع دهستان کجور قرار دارد. ارتفاع تپه از سطح دریا ۱۵۹۰ متر است. تپه در قسمت غربی به علت عملیات جاده‌سازی به دو قسمت تحتانی و فوقانی تقسیم شده است.

بوته‌های ذوب فلز در اندازه‌های مختلف که در میان آنها ذغال چوب محبوس شده به‌دست آمد. این بوته‌ها از نظر شکل ظاهری به‌صورت قطعات اسفنجی هستند (تصویر ۷). اصولاً در اثر احیای سنگ‌های آهن با ذغال چوب در حالت جامد ابتدا آهن خام همراه ناخالصی‌های سنگ آهن تولید می‌شد. این آهن خام اسفنج مانند است که به علت قابلیت چکش‌خوری کافی و ذوب شدن در ۱۵۳۶ درجه سانتیگراد برای ساخت اسلحه و ابزار مصرفی روزمره استفاده می‌شده است. در برخی نقاط روی سطح تپه لوله‌های سفالی مربوط به کوره در اندازه‌های مختلفی به‌دست آمد که قطر نوک برخی از این لوله‌ها از ۲/۵ سانتی‌متر تا ۴/۵ سانتی‌متر متفاوت است (تصویر ۸). به علت حفاری‌های غیرمجاز در این تپه بقایایی از آثار معماری به‌دست آمد که احتمالاً مربوط به کارگاه‌های ذوب فلز می‌باشد. این یافته‌ها دال بر وجود تکنیک ذوب فلز در محل است.

به علت کمبود پژوهش باستان‌شناسی در غرب مازندران از وجود چنین مراکز صنعتی ذکری به میان نیامده است. تنها یک معدن آهن و بقایای کوره‌ها در منطقه «جواهر ده» رامسر در غربی‌ترین نقطه مازندران غربی به‌نام آهن پچان توسط منوچهر ستوده نام برده شده است.^{۳۷} همچنین دمرگان در کتاب *تمدن‌های اولیه* خود از صادرات سنگ آهن ماسوله در گیلان، مازندران و غرب دریای ارومیه نام برده است. اولوریوس سیاح دوره صفویه از معادن سنگ آهن در ایران یاد کرده و می‌نویسد: بهترین نوع سنگ آهن در ایران از ماسوله در گیلان تأمین می‌شده است.^{۳۸} به هر صورت گروه در بررسی مقدماتی خود ضمن مشورت با متخصصان زمین‌شناس به این



نتیجه رسید که تپه آفله با وجود فراوانی بوته‌های ذوب فلز و بقایای کارگاه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک مرکز مهم صنعتی در غرب مازندران محسوب گردد. بدون تردید با انجام آزمایشات شیمیایی اسپکتروگرافی بر روی بوته‌های ذوب فلز می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری را درخصوص عناصر تشکیل‌دهنده فلز و معادن تأمین‌کننده این مرکز صنعتی در اختیار قرار دهد که متأسفانه دست یافتن به این هدف به دلیل هزینه سنگین آزمایشات شیمیایی برای گروه میسر نگردید.

د) قلعه کجور (K.K.19)

این قلعه در موقعیت ۵۱ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. قلعه مشرف به دشت کجور در غرب روستای کجور و تقریباً روبه‌روی پاسگاه نیروی انتظامی واقع شده است.

ویژگی‌های معماری قلعه

دیوارهای اطراف قلعه هنوز پابرجاست. طول شمالی - جنوبی آن ۶۰ متر و عرض شرقی - غربی آن ۳۰ متر است. قلعه از دو بخش شمالی و جنوبی که با یک دیوار حائل از هم مجزا می‌شوند؛ تشکیل شده است. طول بخش جنوبی ۴۰ متر و طول بخش دیگر ۲۰ متر است (تصویر ۹). دیوار قلعه در سطح پایینی از سنگ بوده و سپس بر روی آن خشت نهاده‌اند و اطراف آن را نیز کاهگل نموده‌اند. قطعات آجر، خشت و سنگ در همه جای قلعه پراکنده است. ابعاد آجرهای قلعه ۲۷×۲۷×۵/۵ سانتی‌متر است. در نزدیکی قلعه تنبوشه‌های سفالی جهت انتقال آب مصرفی قلعه کشف شد (تصویر ۱۰). این‌گونه شیوه آبرسانی قلعه‌ها با استفاده از تنبوشه‌گذاری و هدایت آن از تپه‌های مرتفع‌تر به سطح قلعه در برخی از قلاع مازندران از جمله «قلعه پایان» و «دیوچال تاکام» نیز دیده شده است.^{۲۹}

در ساخت قلعه این اصل رعایت شد که استحکامات و حصارهای افراشته‌تر و برج‌های دیده‌بانی در جهتی باشد که تهاجم به قلعه از آن سو آسان‌تر بوده است و جهاتی که منتهی به دره‌ها و شیب‌های تند می‌گردید کمتر نیاز به تقویت و تحکیم بنا داشت. لذا دیوارهای قلعه در



جهت شمالی، غربی و جنوبی مستحکم‌تر و بلندتر گردیده و بخش شرقی به علت وجود شیب تند نیازی به احداث دیوار نبوده است.

مکان‌یابی در ساخت این قلعه بر حسب ضرورت، جلوگیری از تهاجم دشمن و حفاظت از شهر کجور و بهره‌گیری از موقعیت سوق‌الجیشی مناسب قلعه بوده که به جهت اشراف به منطقه می‌توان محدوده وسیعی را کنترل نمود. متأسفانه به علت حفاری‌های غیر مجاز بسیار زیاد و آسیب‌های جوی بیشتر بخش‌های قلعه تخریب گردیده و لذا از سایر ویژگی‌ها و جزئیات قلعه نمی‌توان اطلاعات جامع‌تری ارائه نمود.

قدمت قلعه

قدیمی‌ترین سندی که قلعه کجور در آن ذکر شده تاریخ رویان اولیاء آملی است. وی می‌گوید: ملک جلال‌الدوله اسکندر از ملوک آل پادوسبان (۷۶۱-۷۳۴ ق) روز شنبه بیست و یکم ذی‌الحجه موافق با بیست و هفتم تیر سنه ۷۴۶ ق بنای شهر و قلعه کجور را گذاشت.^{۳۰} همچنین رابینو می‌نویسد: در تاریخ ۱۲ ذی‌الحجه سال ۷۴۰ ق استاندار جلال‌الدوله شروع به تجدید بنای قلعه نمود و در سال ۷۴۶ ق آن را به اتمام رسانید.^{۳۱} همچنین میرسید ظهیرالدین مرعشی در سال ۸۷۰ ق در جریان حل اختلاف بین ملک کاووس و ملک اسکندر فرزندان ملک کیومرث بن بیستون (۸۵۸-۸۰۹ ق) از قلعه کجور نام می‌برد.^{۳۲} این قلعه در دوره شاه طهماسب صفوی مورد هجوم واقع شده و به آتش کشیده می‌شود. به همین علت به سوته قلعه (قلعه سوخته) نیز مشهور گشت.^{۳۳}

با استناد به آثار مکشوفه سفالین از سطح قلعه، سفال‌های قلعه متعلق به سه دوره قبل از اسلام (سفال‌های ساده بدون لعاب خاکستری احتمالاً پارتی) اوایل دوره اسلامی قرون ۴ و ۵ ق (تکنیک لعاب پاشیده) و دوره میانه اسلامی (سفال‌های لاجوردی و سلادن) است. آجرهای قلعه به ابعاد ۲۵×۲۵×۵ و فراوانی سفال‌های دوره میانه، بیانگر آبادانی و رونق قلعه در دوره تیموری و صفوی است. بدون تردید با انجام کاوش و گمانه‌زنی علمی می‌توان قدمت دقیق قلعه را مشخص کرد و با اطمینان به این سؤال پاسخ داد که علی‌رغم اسناد و مدارک تاریخی که قدمت قلعه را به



قرن هشتم هجری می‌رساند؛ آیا قلعه قبل از دوره تیموری (با توجه به سفال‌های قبل از اسلام و اوایل دوره اسلامی) وجود داشته است یا خیر؟

هـ) شواهد و مدارک سفالین محوطه‌های رویان

تقریباً در تمامی محوطه‌های باستانی منطقه مورد بررسی، یافته‌های سفالین عمده‌ترین مواد فرهنگی را تشکیل می‌دادند. نمونه‌های سفالی مکشوفه در چهار مرحله به دقت مورد ثبت و ضبط قرار گرفت.

۱- شستشو و پشت‌نویسی نمونه‌ها؛

۲- ثبت اطلاعات نمونه‌ها؛

۳- طراحی نمونه‌های گزینش شده (در این مرحله از میان گونه‌های شناخته شده و گاهی چند نمونه به‌عنوان نماینده یک مجموعه انتخاب و طراحی شدند و بقیه نمونه‌ها به سطح تپه بازگردانده شده تا شیوه بررسی تخریبی نباشد). (کاتالوگ ۱)

۴- مستندسازی (تهیه عکس و اسلاید) نمونه‌های جمع‌آوری شده پس از تفکیک سفال‌ها از نظر نوع قطعه (لبه، کف، پایه، بدنه، دسته) براساس شکل و تزئینات، گونه‌شناسی شدند. از میان گونه‌شناسی، قطعات بدنه و لبه ظروف بخش عمده‌ای را شامل می‌شد. جهت مطالعه دقیق‌تر نمونه‌های طبقه‌بندی و طراحی شده در جدول مشخصات فنی براساس شاخص‌های تکنیک پخت، شاموت، رنگ، مشخصات تپه و تکه نمونه ثبت گردید (جدول ۱). در مجموع پس از طبقه‌بندی، تفکیک و مطالعه نمونه‌های جمع‌آوری شده گاه‌نگاری سفال‌ها در سه دوره هزاره اول ق.م (محوطه‌های K.P.60, K.D.52) و دوره تاریخی (K.A.39, K.P.4) و دوران اسلامی (... K.K.19, K.N.9, K.P.5, K.T.22) مشخص گردیدند. در بین ۶۱ محوطه بررسی شده دو محوطه (K.K.19, K.T.22) از جمله غنی‌ترین و گسترده‌ترین یافته‌های سفالی را ارائه می‌نمایند، به نحوی که در بیش از ۸۰٪ نمونه سفال‌های محوطه‌های دیگر سفال‌های این دو محوطه دیده می‌شوند. این سفال‌ها از نظر نقوش به صورت طرح‌های هندسی، خطوط موازی، زیگزاگی، موج، مارپیچ و از نظر تکنیک به صورت لعاب پاشیده، تکنیک نقش کنده زیر لعاب، اسگرافیاتو (Sgraffito) و سلادن (Celadon) هستند. همچنین در کنار سفال‌های محلی، سفالینه‌هایی از نوع



ساری و آمل (دو مرکز سفالگری شرق مازندران) نیز به‌دست آمد. بررسی نمونه سفال‌های مطالعه شده نشان می‌دهد که بیش از نیمی از سفال‌ها متعلق به دوران اسلامی و بقیه به دوره تاریخی و هزاره اول ق.م تعلق دارند. در برخی از محوطه‌ها به‌ویژه در اطراف قلعه کجور (K.K.19) مقادیر فراوانی گلوله‌های گلی خام و جوش کوره به‌دست آمد که دلیلی بر وجود کارگاه‌های سفالگری است (تصویر ۱۱).

پراکندگی نمونه سفال‌های گاه‌نگاری شده نشان‌دهنده تراکم و فراوانی سفال‌های دوران اسلامی به‌ویژه قرون هشتم و نهم هجری و رونق و آبادانی منطقه در دوران تیموری است. بیشترین تراکم و فراوانی نمونه‌های سفالی در محدوده مرکزی و شرقی منطقه مورد بررسی جمع‌آوری گردید. تداوم استقرار براساس شواهد و مدارک سفالی از هزاره اول ق.م (عصر آهن I) تا دوره قاجار قابل مطالعه و بررسی است.

۵) مقابر برجی

مقابر و بقاع متبرکه در بخش غربی مازندران به‌ویژه در منطقه مورد بررسی هسته و مرکز اصلی معماری مذهبی این منطقه را تشکیل می‌دهند. در مازندران بقعه‌هایی به‌نام مقابر برجی برپاست که از لحاظ شیوه معماری و به‌ویژه کتیبه‌های این بناها مشخص می‌شود که به قرون هشتم و نهم هجری یعنی حکومت سادات مرعشی مازندران تعلق دارند.^{۳۴}

مرعشیان پس از گذشت هفت قرن از به قدرت رسیدن علویان در طبرستان و سپس آل‌بویه دوباره مذهب تشیع را زنده کردند. این سلسله از سال ۷۹۵ ق تا ۹۸۶ ق بر مازندران حکومت می‌کردند و سرانجام صفویان در سال ۹۸۶ ق برای همیشه به حکومت آنان خاتمه دادند. در منطقه رویان و رستم‌دار امرای پادوسبانی به‌ویژه ملک کیومرث بن بیستون (۸۵۸-۸۰۷ ق) که مذهب تشیع را در رویان رواج داده بود مقابری تحت‌تأثیر مرعشیان برپا ساختند.^{۳۵}

طی دو فصل بررسی، امامزاده‌های زیادی شناسایی شد، لیکن ۶ مقبره دارای خصوصیات و سبک معماری برج مقبره بوده و نمونه‌های مطالعاتی بسیار خوبی برای بررسی سیر تحول تاریخی- مذهبی و معماری محلی و منطقه‌ای در اختیار قرار می‌دهند.



۱- برج مقبره طاهر و مطهر (ملک کیومرث بن بیستون) (K.M.17)، نقشه ۴-۲

مقبره در آبادی هزار خال کجور واقع شده و با شماره ۳/۱۱۶۷۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. مقبره به جهت داشتن کتیبه‌های تاریخی ساخت بنا از اهمیت به‌سزایی در تاریخ‌گذاری سایر مقابر منطقه و مازندران برخوردار است.

تنها دو مقبره در مازندران دارای کتیبه ساخت بنا هستند. یکی مقبره فوق‌الذکر و دیگری مقبره شاه بالو در دهکده آهو دشت ناتل رستاق نور که به ترتیب تاریخ ساخت ۸۲۹ ق و ۸۴۰ ق در کتیبه‌های آنها ذکر شده است.^{۳۶} قدیمی‌ترین سندی که از این مقبره یاد شده است؛ در کتاب تاریخ گیلان سید ظهیرالدین مرعشی در سال ۸۶۳ ق به چشم می‌خورد. مقبره مدفن ملک کیومرث (فرمانروای منطقه رویان) و دو تن از سادات منطقه به نام‌های طاهر و مطهر است.^{۳۷}

الف) ویژگی‌های فنی بنا، مصالح و فضای معماری

پلان مقبره چهارضلعی است و از سه بخش بدنه مکعب، بخش انتقالی (فیلپوش‌ها) و گنبد هرمی تشکیل شده است (تصویر ۱۲). طاق‌نماهایی در سه طرف بنا (با قوس جناقی) تعبیه شده است. گوشه‌های نمای بیرونی بنا دارای شیار عمودی است که رأس آنها قوسی شکل است. هر ضلع خارجی بنا ۸/۴۰ متر طول و بر فراز نمای خارجی بنا یک گنبد هرمی هشت‌وجهی (بخش خود گنبد) و یک گنبد نیم‌دایره (بخش آهیانه) داخل بنا قرار دارد. شیوه آجرچینی گنبد به‌صورت رگ-چین (Rag-chin) اجرا شده است، چرا که گنبدهای رگ را نمی‌توان گردچین (Gead-chin) کرد لذا به‌صورت رگچین ساخته می‌شود.^{۳۸}

گنبد از نوع رگ دوپوش گسسته است که با توجه به شرایط اقلیمی این نوع گنبد در منطقه رایج بوده است. فضای داخلی مقبره نیز دارای پلان چهارضلعی است و طاق‌نماهایی در دو طبقه درون قاب مستطیل شکل قرار گرفته‌اند و فضای داخلی مقبره را تشکیل می‌دهند. ارتفاع این طاق‌نماها ۳/۲۰ و عرض آنها ۱/۵ سانتی‌متر است. در ضلع شرقی مقبره، یک ساختمان با نقشه مستطیل شکل در یک طبقه ساخته شده که از الحاقات بعدی بنا بوده و راه ورودی مقبره از همین قسمت است. مصالح اصلی مورد استفاده در بنا آجر و ملاط ساروج است.



ب) تزئینات خارجی و داخلی بنا

از ویژگی‌های تزئینی بنا تأکید بر عناصر معماری به‌عنوان عنصر تزئینی است. بدین ترتیب که مقرنس‌ها، طاق‌نماها، نگول‌ها، فیلیوش‌ها و شیوه آجرچینی و گنبد رک به‌گونه‌ای استادانه نقش اصلی تزئین را با ترتیبی هماهنگ، متقارن و ساده در بنا به‌وجود آورده است. شیوه آجرکای به‌صورت یک بافت تزئینی است که در قسمت طاق‌نماها جلوه و نمود بیشتری دارد. در قسمت زیر گنبد، گیلویی مقرنس یک ردیفه‌ای است که بر فراز آن یک سلسله قوس‌های هلالی کوچک که احتمالاً با قطعات نیم‌دایره سفال تزئین می‌شده است، دیده می‌شود. دونالد ویلبر معتقد است گنبد و قوس‌های هلالی مقابر مازندران با کاشی‌های لعابی مربع شکل آبی و روشن پوشیده شده است.^{۳۹}

در قسمت بالای این گیلویی یک نوار تزئین دندانانه اره‌ای یا اصطلاحاً دندان‌موشی دیده می‌شود. هر یک از اضلاع مقبره دارای طاقگان، نگول‌های افقی مستطیل و شیارهای عمودی است. این عناصر معماری علاوه بر جنبه کاربردی به نوعی خاص بنا را آراسته است. داخل بنا نیز در سه بخش فضای زیر گنبد، فیلیوش‌ها و اضلاع داخلی نقوش زیبایی با مضامین گل و بته، شمشه، درخت سرو، طاووس با رنگ‌های زیبا، نقاشی و آراسته گردیده است.

ج) کتیبه‌ها

در اضلاع خارجی بنای طاهر و مطهر در قسمت فوقانی طاق‌نماها، زیر ردیف گیلویی، دو ردیف نگول باریک مستطیل شکل به عرض ۳۰ سانتی‌متر به‌صورت افقی کتیبه‌هایی وجود دارد. این کتیبه‌ها شامل آیات قرآنی، پاره‌ای اصطلاحات و به‌ویژه تاریخ ساخت بنا ۸۲۹ ق است. همان‌طور که اشاره شد این کتیبه تاریخ‌دار از اهمیت به‌سزایی در تاریخ‌گذاری سایر مقابر مازندران برخوردار است (تصویر ۱۳). متن کتیبه به این صورت است: «السموات و الارض و لا یوده حفظهما و هو العلی فی سنه تسع عشرین و ثما نماته الحجریه النبویه ...». این کتیبه‌ها در سال ۸۲۹ ق توسط محمود بن نجیب رستم‌داری نوشته شده است.^{۴۰}

تاریخ‌گذاری و مقایسه سبک معماری

مقبره ملک کیومرث در یک مقایسه تطبیقی با مقابر برجی شرق مازندران از نظر پلان و نقشه ساختمانی، گنبد هرمی، تزئینات قابل مقایسه با مقابر درویش فخرالدین (بابل)، امامزاده ابراهیم (آمل) و امامزاده زین‌العابدین ساری است که هر سه بنا با پلان چهارضلعی ساخته شده‌اند. شباهت ظاهری مقبره ملک کیومرث با مقبره زین‌العابدین و امامزاده ابراهیم آمل به حدی است که در نگاه اولیه تفاوتی بین آنها دیده نمی‌شود (تصویر ۱۴).

ولی گنبد هرمی زین‌العابدین و امامزاده ابراهیم آمل بر روی گریو کوتاهی تعبیه شده در صورتی که گنبد مقبره ملک کیومرث فايد گریو و مستقیماً بر روی بدنه مکعب و گوشوارها قرار داده شده است. درخصوص مقبره طاهر و مطهر منوچهر ستوده و درخصوص مقبره زین‌العابدین، گذار و زاره تصاویر و مطالبی توصیفی ارائه نموده‌اند.^{۴۱}

قدمت مقبره به استناد کتیبه نمای بیرونی مقبره که تاریخ ساخت بنا ۸۲۹ ق در آن ذکر شده و رجوع به منابع تاریخی که بانی بنا را ملک کیومرث بن بیستون معرفی می‌کند و با توجه به اینکه نامبرده در فاصله سال‌های ۸۵۸-۸۰۹ ق در رویان حکومت می‌کرده در انتساب این مقبره به قرن نهم هجری قمری هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد.

۲- مقبره سید محمد کیا دبیر صالحانی (K.S.16)، نقشه ۷-۵

الف) ویژگی‌های فنی بنا و فضای معماری

مقبره دبیر صالحانی از نوع پلان هشت‌ضلعی است. در خارج بنا گنبد هرمی چندضلعی آجری (هشت ترک) و از داخل گنبد عرقچین، فضای اصلی مقبره را پوشانده است (تصویر ۱۵). شیوه پوشش سقف همانند سایر مقابر برجی منطقه و شرق مازندران از نوع رک (هرمی) دوپوش گسسته است که به صورت رگ‌چین ساخته شده است. این نوع پوشش ضمن شکوه و عظمت در نمای خارجی مقبره (خود گنبد) بنا را از آسیب‌های نزولات جوی به بهترین شکل محافظت نموده و زمینه را جهت انجام تزئیناتی نظیر گچبری، آینه‌کاری، مقرنس و نقاشی فراهم می‌سازد. دونالد ویلبر در توصیف گنبدهای دوپوش چنین می‌گوید: «ملاحظات زیبایی بنا باعث اهمیت



دادن به ارتفاع یعنی برجستگی نیمرخ گنبد می‌گردید. در حالی که گنبد خارجی سر به فلک می‌کشید. گنبد داخلی بسیار کوتاه‌تر در تناسبی خوشایند و مناسب نسبت به اتاق زیرین باقی می‌ماند.^{۴۲} سطوح اضلاع خارجی مقبره فاقد طاق‌نما است. در اضلاع جنوب و جنوب غربی سه خفنگ چوبین مشبک نورگیر دیده می‌شود. همچنین نورگیری چوبی منبت‌کاری شده در بخش تحتانی ضلع غربی تعبیه شده که آیات قرآنی بر روی آن کنده شده است. در قسمت شرقی مقبره بنایی قرار دارد که در حقیقت راه ورود به مقبره از این قسمت است. «همچنین در قسمت جنوب مقبره بنایی محقر با گنبدی کوچک قرار دارد که به روایتی مرقد خواهر سیدمحمد کیا دبیر صالحانی است».^{۴۳} آخرین الحاقات مقبره مسجدی با معماری ساده متعلق به اواخر دوران قاجار است.^{۴۴}

فضای درونی مقبره نیز دارای پلان هشت‌ضلعی است، که وسعت آن به اندازه‌ای است که یک ضریح در آن جای داده شده است. در هر یک از اضلاع داخلی طاق‌نمایی در دو ردیف عمودی درون قاب مستطیل شکل تعبیه شده است. مصالح اصلی بنا، آجر، ملاط ساروج و لاشه سنگ در پی بنا است. ابعاد هر آجر ۲۲×۲۲×۴/۵ سانتی‌متر است.

ب) تزیینات نمای خارجی و داخلی بنا

مقبره دبیر صالحانی برخلاف سایر مقابر برجی منطقه از عناصر تزئینی بسیار محدودی برخوردار است. تأکید بر عناصر معماری عامل عمده‌ای در تزئین بنا به‌ویژه بخش خارجی است. گیلویی و تزئینات دندان موشی بالای آن، شیارهای عمودی گوشه‌های اضلاع هشت‌گانه از جمله عوامل تزئین نمای خارجی است. هر چند در گذشته قسمت خارجی گنبد و ردیف مقرنس‌ها با کاشی‌های آبی روشن پوشانده می‌شده است که در حال حاضر چیزی از این کاشی‌ها باقی نمانده است. سطوح خارجی و داخلی با لایه‌ای از گچ تزئین گشته است.

ج) کتیبه‌ها

کاربرد وسیع چوب برای پنجره و لنگه‌های درهای منبت و صفحات صندوق قبر یکی از ویژگی‌های برج‌های آرامگاهی مازندران است.^{۴۵} بسیاری از مقابر برجی مازندران ضمن دارا بودن ارزش معماری، نمونه‌های بسیار ارزشمندی از هنر کنده‌کاری روی چوب و منبت‌کاری هستند. از



جمله این مقابر که شاهکار هنر منبت‌کاری محسوب می‌شوند می‌توان به امامزاده ابراهیم، مقبره درویش فخرالدین و سلطان زین‌العابدین اشاره نمود.^{۴۶}

مقبره دبیر صالحانی نیز دارای صندوق چوبی منبت‌کاری و درب چوبی منبت‌کاری شده زیبایی بوده (که در حال حاضر وجود ندارد و به سرقت رفته است) که با خط ثلث آیات قرآنی بر آن کنده شده بود. این کتیبه‌ها از نظر تاریخ‌گذاری و نام سازندگان آن بسیار حائز اهمیت است. متن بخشی از کتیبه درب چوبی به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، ... ابوالمعارف سلطان محمد دبیر کیا صالحانی قدس الله سره ... خلد الله ملكه و طاب ثراه فی تاریخ ماه مبارک محرم سنه عشرين و ثمانمائه الهجرية و النبویه» (۸۲۰ ق). و کتیبه صندوق «... فی تاریخ ذی‌الحجه سنه اربع و ستين و تسعمائه (۹۶۴ ق) عامل هذا الصندوق المبارك اقل العباد علاءالدین بن محمد النجار و كاتبه العبد حاجی گیلانی».^{۴۷}

از این کتیبه‌ها استنباط می‌شود که مقبره، متعلق به دبیر صالحانی و نام سازنده و کاتب در و صندوق چوبی محمد نجار و حاجی گیلانی است.

د) تاریخ‌گذاری و مقایسه سبک معماری

به استناد متون و اسناد تاریخی متقن اصل مقبره دبیر صالحانی مربوط به اواخر قرن دوم هجری یا اوایل قرن سوم هجری و زمان نهضت زیدیه در مازندران و رویان است. میرظهیرالدین مرعشی که در سال ۸۷۱ ق از این مقبره دیدن نموده است، نسب محمد کیا دبیر صالحانی را این‌چنین ذکر می‌کند: «محمد بن ابراهیم بن علی بن عبد الرحمن بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی المرتضی علیه و علیهم السلام».^{۴۸}

احتمالاً بنای اصلی مقبره بر اثر وقوع زلزله در همان سال‌ها تخریب گردیده است. اعتماد السلطنه نیز از وقوع زلزله‌ای در دوره قاجار یاد می‌کند که به این مقبره آسیب جدی وارد ساخته است.^{۴۹} مقبره در یک بررسی تطبیقی با سایر مقابر برجی مازندران از نظر نوع نقشه (پلان هشت ضلعی) گنبد هرمی دوپوش با مقابر امامزاده عبدالله و درویش فخرالدین قابل مقایسه است.

به استناد کتیبه‌های در و صندوق که تاریخ‌های ۸۲۰ ق و ۹۶۴ ق بر آنها کنده شده و با توجه به ویژگی‌های معماری بنا که ترکیبی از سبک رازی و مغول را ارائه می‌نماید؛ قطعاً بنای فعلی



متعلق به اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم هجری قمری است. لذا از این نظر به‌عنوان کهن‌ترین برج مقبره منطقه رویان محسوب می‌شود.

برآیند داده‌ها و تحلیل معماری

بررسی میدانی باستان‌شناسی انجام شده در محدوده منطقه مورد بررسی منجر به شناسایی ۶۱ اثر فرهنگی شامل مقابر، محوطه‌های باز Site Open، قنات، قلعه، غار و تپه گردید (جدول ۲). تداوم استقرار به استناد مدارک و شواهد باستان‌شناسی به‌ویژه آثار سفالین از اواخر هزاره دوم ق.م و اوایل هزاره اول ق.م تا دوره قاجار قابل مطالعه و بررسی است. گسترده‌ترین استقرارها و محوطه‌ها متعلق به دوران اسلامی است. بزرگ‌ترین محوطه دوران اسلامی مربوط به محوطه قدیم کجور (K.R.20) است. این محوطه به استناد منابع تاریخی متقن و آثار معماری برجای مانده از جمله مقبره ملک کیومرث، قلعه کجور، مرکز صنعتی آله و پراکندگی گسترده مواد فرهنگی گویای اهمیت آن و به احتمال قریب به یقین مرکز سیاسی رویان (شهر کجه) در دوران اسلامی محسوب می‌شود. هر چند تعیین حد و مرز دقیق این شهر از طریق بررسی، مقدور و اطمینان‌بخش نیست و اصولاً آشنایی با سیمای واقعی شهرهای دوران اسلامی و شناخت آن از دیدگاه معماری و ویژگی‌های آن تا حدود زیادی نیاز به بررسی و گمانه‌زنی و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی دارد.

قلعه کجور (K.K.19) از جمله مهم‌ترین قلاع بررسی شده به استناد منابع تاریخی شاهد وقایع تاریخی و برخوردهای نظامی زیادی بوده است. پلان قلعه مستطیل شکل و قابل مقایسه با پلان قلاع مارکوه (رامسر، غرب مازندران) و دیو سفید (سوادکوه شرق مازندران) است. تطبیق سایر ویژگی‌های معماری قلعه به علت تخریب شدید میسر نیست ولی کشف تنبوشه‌های سفالی در نزدیکی قلعه بیانگر سیستم آبرسانی از طریق لوله‌کشی و از این نظر قابل مقایسه با قلاع قلعه پایان و دیو چال تاکام در شرق مازندران است. در ساخت و ساز قلعه از موقعیت سوق‌الجیشی (تسلط به دشت کجور) و بهره‌گیری از ویژگی‌ها و موانع طبیعی (قرار گرفتن بر تپه طبیعی و استفاده از شیب تند کوه در قسمت شرقی) به بهترین شکل ممکن در تقویت استحکامات قلعه



استفاده شده است. قدمت قلعه با توجه به آثار سفالین مکشوفه و رجوع به منابع تاریخی (اولیاءالله آملی و مرعشی) مربوط به اوایل دوره اسلامی است. هر چند فراوانی سفالینه‌های اواسط و اواخر دوره اسلامی بیانگر رونق و آبادانی قلعه در دوره تیموری و صفوی است که این امر با تطبیق به منابع تاریخی قابل اثبات است.

مطالعه و بررسی آثار و یافته‌های سفالین از لحاظ تکنیکی، شکل و لعاب قابل مقایسه با مناطق همجوار به‌ویژه مراکز سفالگری شرق مازندران از جمله آمل و ساری است. این مسئله بیانگر ارتباط و مراوده فرهنگی رویان با مناطق همجوار در مازندران است.

البته برخی از سفال‌ها در زمره تولیدات محلی بوده که در اکثر محوطه‌های بررسی شده در کنار سایر سفال‌های شاخص مازندران به‌دست آمده است. یکی از یافته‌های جالب توجه آثار سفالین، ظرف خاکستری لوله‌داری (ظرف تدفین) است که از تپه دیارک (K.D.52) به‌دست آمده است. بر روی بدنه خارجی این ظرف نقش کنده‌ای به شکل خورشید دیده می‌شود که نماد گردونه حیات آریایی‌هاست. این نوع ظروف، ریشه در فرهنگ شمال شرق ایران دارد و قابل مقایسه با ظروف لوله‌دار فلات ایران از جمله قیطره، خورون، سیلک A و برخی از میادین عصر آهن شمال ایران نظیر کلورز و آق اولر می‌باشد. این مسئله بیانگر تداوم و گسترش و نفوذ فرهنگ سفال خاکستری در حوزه تمدن رویان است. بدون تردید مطالعه و پژوهش بیشتر در این زمینه ارتباط فرهنگی این منطقه را با فلات ایران و نقاط همجوار در دوره عصر آهن را روشن خواهد نمود. در مجموع می‌توانیم حوزه فرهنگی و تمدنی رویان را یکی از میادین استقرار عصر آهن در شمال ایران محسوب نمائیم.

محوطه ناسنگ (K.N.9) که مجموعه‌ای است شامل برج مقبره، بقایای مسکونی، حمام، گورستان و فراوانی و غنای مواد فرهنگی و با توجه به موقعیت مطلوب طبیعی، برخورداری از منبع دائمی آب از کوه‌های اطراف (شاه کوه) شواهدی از شهری آباد در اواسط دوره اسلامی را ارائه می‌نماید. انجام کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرهای فراموش شده تمدن رویان از یک طرف و مطالعه متون تاریخی و سفرنامه‌ها از سوی دیگر می‌تواند تا حدود زیادی ما را در شناسایی این شهرهای مدفون یاری نماید.

شناسایی محل ذوب آفل (K.A.39) به‌عنوان تنها مرکز صنعتی منطقه و نزدیکی آن به محوطه قدیم کجور (قلعه کجور، مقبره ملک کیومرث) بیانگر اهمیت این مرکز ذوب فلز بوده که احتمالاً از این مرکز صنعتی در ساخت وسایل و ظروف فلزی و سلاح استفاده می‌نمودند. بدون تردید انجام مطالعات و پژوهش‌های زمین‌شناسی معدن و فلزشناسی می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای درخصوص فلزگری شمال ایران، کشف معادن کهن، و ارتباط این مرکز صنعتی با سایر مراکز صنعتی در مناطق همجوار از جمله جواهرده رامسر در غرب مازندران و ماسوله در گیلان در اختیار قرار گذارد. میانگین ارتفاع تپه‌ها و محوطه‌های بررسی شده از سطح دریا ۱۵۶۲ متر است که بلندترین آن محوطه ناسنگ (K.N.90) و پست‌ترین آن تپه چهارسو (K.CH.54) به ترتیب با ۲۲۵۸ و ۶۰۰ متر بلندی از سطح دریاست. پراکندگی و تراکم استقرار در نیمه شرقی نسبت به نیمه غربی منطقه بیشتر بوده که این امر بیانگر مراوده فرهنگی و ارتباط بیشتر پایتخت رویان (شهر کجور) با مراکز فرهنگی شرق مازندران است. محوطه‌های تاریخی هزاره اول ق.م بیشتر در مناطق جنگلی و کوهستانی مورد شناسایی شده و آثار و محوطه‌های دوران اسلامی در مناطق دشت و ارتفاعات پیرامون آن قرار گرفته است. در مجموع آثار و محوطه‌های دوران اسلامی ۸۱/۳۵ درصد و محوطه‌ها و استقرارهای دوره تاریخی و هزاره اول ق.م به ترتیب ۱۳/۵۷ درصد و ۵/۰۸ درصد از کل آثار و محوطه‌های بررسی شده را شامل می‌شود (نمودار ۱).

در تحلیل معماری مقابر برجی باید گفت که شش مقبره برجی منطقه کجور با دو نوع نقشه ساختمانی (پلان هشت‌ضلعی و مربع) بنا شده است؛ که در مقایسه با مقابر برجی شرق مازندران و گلستان که با سه نوع پلان هشت‌ضلعی، مربع و مدور ساخته شده‌اند، تنوع کمتری را از لحاظ پلان ساختمانی ارائه می‌نمایند (جدول ۳). از نظر اصول ساختمانی نیز مقابر منطقه عمدتاً از دو قسمت شامل بدنه و گنبد رک هرمی تشکیل شده است (به‌جز مقبره طاهر مطهر). این مقابر از نظر پلان، سبک معماری و تزئینات بیشتر تحت‌تأثیر بناهای اولیه در مازندران شرقی و گلستان یعنی مقابر گنبد قابوس ۳۹۸ ق، برج لاجیم ۴۲۳ ق، برج رسکت ۴۰۰ ق و برج رادکان غربی ق بوده است. از مقایسه این مقابر با مقابر برجی دوره‌های قبل مشخص می‌شود که در این منطقه



نوعی ساختمان‌سازی متأثر از سنت‌های قدیمی وجود داشته است که به‌ویژه با تأثیرپذیری از خصوصیات معماری مقابر برجی شرق مازندران ساخته شده‌اند.

از سوی دیگر هر چند که مقابر برجی منطقه رویان با مقابر مذهبی گیلان وجوه اشتراک فراوانی دارند؛ لیکن نکته حائز اهمیت گنبد رک هرمی شکل مقابر مذهبی در منطقه مورد بررسی است که در گیلان از نوع هرمی کاسته شده و سقف، نه هرمی بلکه بیشتر به‌صورت شیروانی یا مسطح می‌باشد.

گنبدهای مقابر برجی منطقه مورد بررسی از نوع گنبد رک به‌صورت دو پوش گسسته بوده که این نوع گنبدها عمدتاً با مصالح آجر به صورت رگ چین ساخته شده است. البته گنبد دو مقبره درویش شهر اگیم (K.D.33) و مقبره درویش رستم (K.D.32) با سنگ ساخته شده که پدیده نو ظهوری در منطقه و مازندران محسوب می‌شوند. گنبدهای رک با توجه به شرایط اقلیمی منطقه و جلوگیری از آسیب‌های ریزش نزولات جوی در منطقه ساخته شده است. قدیمی‌ترین نمونه این‌گونه گنبدسازی گنبد قابوس ۳۹۸ ق است. این شیوه علاوه بر جنبه کاربردی سبب شکوه و عظمت بنا شده و زمینه را جهت انجام تزئینات در زیر فضای گنبد داخلی فراهم می‌سازد. طرح‌های مورد استفاده در منبت‌کاری درهای مقابر و صندوق‌های ضریح قابل مقایسه با طرح‌های کاشی‌کاری دوره تیموری است. اکثر درها و صندوق‌ها دارای تاریخ و امضای سازنده هستند (مقبره دبیر صالحانی). وسعت داخلی برج‌ها به اندازه‌ای است که تنها یک و حداکثر دو ضریح چوبی در آنها جای داده می‌شده است. مصالح به‌کار رفته در مقابر با توجه به وضعیت اقلیمی منطقه تماماً از آجر و ملاط ساروج و گچ بوده که در پی بنا از قلوه‌سنگ نیز استفاده شده است. اندازه آجرهای به‌کار رفته، متنوع و در اندازه‌های $۲۲ \times ۲۲ \times ۴/۵$ و $۲۴ \times ۲۴ \times ۵$ سانتی‌متر است. آجرها به رنگ قرمز در طیفی از روشن تا تیره و بسیار سخت به ملاط چسبیده است. تزئینات آجرکاری مقابر بیشتر منحصر به نمای خارجی بوده که در آن از تزئینات ساده هندسی به شیوه آجرچینی توپر و یکنواخت انجام شده است. تاریخ‌گذاری مقابر برجی مازندران یکی از معضلات تعیین تاریخ دقیق این بناها محسوب می‌شود. به این منظور برج مقبره طاهر و مطهر (ملک کیومرث) از اهمیت ویژه و استثنایی در بین مقابر منطقه و شرق مازندران برخوردار است. این



مقبره به استناد کتیبه‌های نمای بیرونی بنا در سال ۸۲۹ ق به دستور ملک کیومرث بن بیستون فرمانروای پادوسبانی منطقه احداث شده است. در انگیزه ساخت این گونه مقابر می‌توان انگیزه سیاسی و مذهبی را به عنوان مهم‌ترین عامل مطرح نمود. مقابر برجی بازمانده منطقه مورد بررسی تحت سلطه حکمرانان پادوسبانی ساخته شده و ضمن تأثیرپذیری از مقابر شرق مازندران به علت شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی منطقه به عنوان یک سبک معماری محلی بر سبک دولتی غلبه داشته است. در تزئینات مقابر تأکید بر عناصر معماری به عنوان یک اصل مد نظر معمار بوده و احتمالاً علت پرهیز از تزئین و آرایش بنا طبیعت سرشار از زیبایی این منطقه بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آملی، اولیاء الله، تاریخ رویان، ص ۷.
۲. پورداد، پشت‌های اوستا، ص ۶۱۸.
۳. سجادی، محمد تقی، تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر، ص ۱۳.
۴. آملی، همان، ص ۱۲.
۵. خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، ص ۶۸.
6. Honigman, and Maricq, *Recherches sur les Res Gestate Di vi Saporis*, p. 175.
۷. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۲.
۸. همان، ص ۱۵۴.
۹. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۹۷.
10. Bivar, A.D.H, *Catalogue of the western Asiatic Seal*, p. 121.
۱۱. ستوه، منوچهر، از آستارا تا استرآباد، جلد سوم، ص ۱۳.
۱۲. ابن رسته، *الاعلاق النفیسه*، ص ۱۵۰.
۱۳. ستوده، همان، ص ۱۶۴-۱۶۳.
۱۴. رابینو، مازندران و استرآباد، ص ۲۲.
۱۵. آملی، همان، ص ۱۵-۱۴.
۱۶. مادلونگ، ویلفرد، پادوسپانیان، ص ۱۵۸-۱۴۷.
17. J.D, Morgan, "Recherches Archeologi ques ...", 1905.
۱۸. واندنبرگ، لویی، باستان‌شناسی ایران باستان، ص ۴-۳.
۱۹. کیانی، محمد یوسف، شهر جرجان در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، ص ۲۳۰.
20. A.D.Bivar. and G. Fehervari, "The walls of Tamisha", p. 35-84.
21. Stark, Freya, "The site of the city of kalar in kalardash", p. 211-217.
۲۲. فرهنگ جغرافیایی، ص ۳۲۰.
۲۳. شریفیان، علی اکبر و مسگری، *آمارنامه استان مازندران*، ص ۶۷.
۲۴. ویلبر، دونالد و گلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۳۹ و ۱۳۹.



۲۵. جهت اطلاع بیشتر از موزه کندلوس رجوع کنید به مقاله نگارنده، کندلوس، «گنجینه‌ای جاودان از قلمرو غربی پادوسپانان طبرستان»، *مجله باستان‌شناسی و هنر*، دانشگاه تربیت مدرس، سال اول، شماره اول، ص ۷۹.
۲۶. کامبخش فرد، سیف‌الله، *سفال و سفالگری در ایران*، ص ۱۶۱. نگارنده در سال ۱۳۸۰، در طرح ساماندهی اشیاء سفالین تپه قیطره در موزه ملی ایران همکاری داشته و از نزدیک ظروف لوله‌دار قیطره و این گونه نقوش خورشیدی را دیده است.
۲۷. ستوده، همان، ص ۴۳.
۲۸. فهیمی، سید حمید، *فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان‌شناسی*، ص ۳۵.
۲۹. سورتیچی، سامان، *قلاع باستانی مازندران*، ص ۱۲۴-۱۰۹.
۳۰. آملی، همان، ص ۱۳۰.
۳۱. ستوده، همان، ص ۱۷۳.
۳۲. مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، ص ۲۳۱.
۳۳. ستوده، همان، ص ۱۷۴.
۳۴. هاشمی، حسن، *نقش و جایگاه مقابر برجی مازندران غربی در معماری اسلامی*، ص ۳۱۰.
۳۵. مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ مازندران و رویان و طبرستان*، ص ۲۴۹-۲۴۵.
۳۶. مرعشی، همان، ص ۵۳-۳۰.
۳۷. ستوده، همان، ص ۱۸۶.
۳۸. پیرنیا، محمد کریم، «گنبد در معماری ایران»، *مجله اثر*، ص ۱۱۳.
۳۹. ویلبر، دونالد، همان، ص ۶۳۷.
۴۰. ستوده، همان، ص ۱۹۷.
۴۱. ستوده، منوچهر، جلد ۴، ص ۵۴۲ و Pope, "A surevey of persian", *Art*, Vol I, p. 351B.
۴۲. ویلبر، دونالد، همان، ص ۱۶۲.
۴۳. ستوده، همان، ص ۲۰۶.
۴۴. به هنگام بررسی اصلاح حاصل شد که برنامه مرمت مقبره دبیر صالحانی توسط میراث فرهنگی مازندران در حال انجام است. ضمن عملیات مرمتی به‌طور اتفاقی در ضلع شمالی مقبره بقایای مسجدی به‌دست آمده که طبق نظر کارشناسان میراث مازندران به اواخر دوران قاجار تعلق دارد.
۴۵. ویلبر، دونالد، همان، ص ۱۸۸.
۴۶. کیانی، محمد یوسف، *تاریخ هنر معماری ایران دوره اسلامی*، ص ۸۶.
۴۷. ستوده، همان، ص ۲۰۱.
۴۸. مرعشی، ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان، رویان و مازندران*، ص ۲۰۲-۲۰۱.
۴۹. ستوده، همان، ص ۲۰۰.

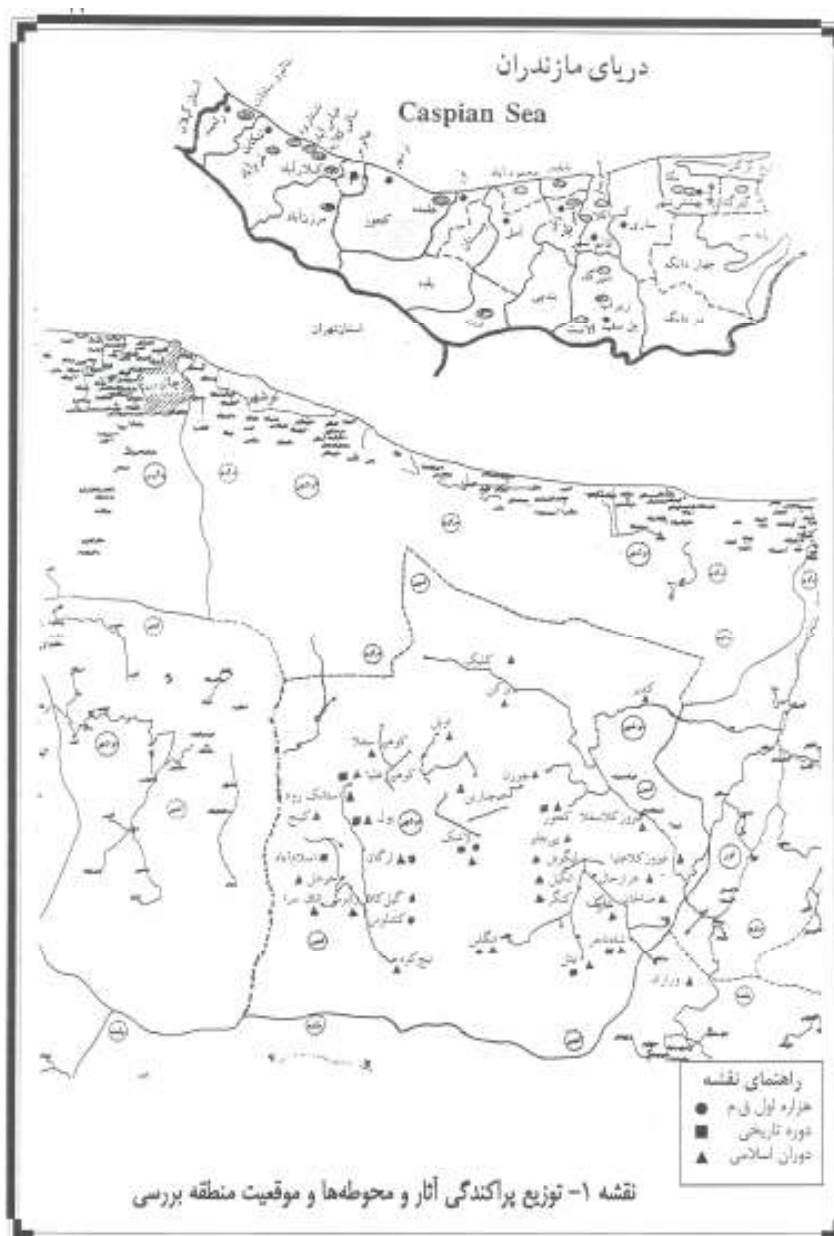


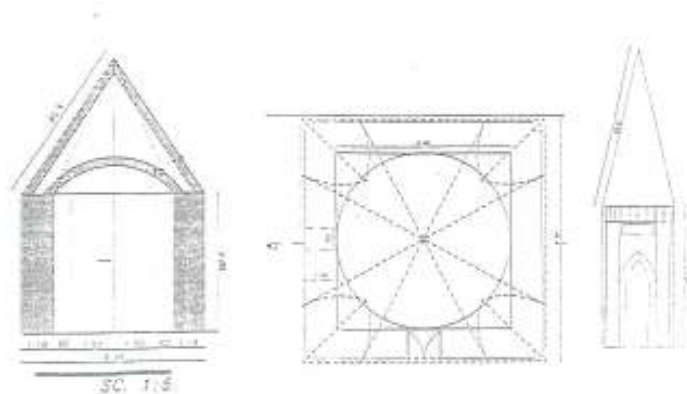
منابع

- آملی، اولیاء الله، *تاریخ رویان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، به کوشش عباس اقبال، چاپ دوم، تهران، انتشارات پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- ابن رسته، احمد بن عمر، *الاعلاق النفیسه*، ویرایش م. ی. دخویه، لیدن، ۱۸۹۱.
- پورداد، یشت‌های اوستا، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- پیرنیا، محمد کریم، «گنبد در معماری ایران»، *مجله اثر*، شماره ۲۰، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- خلف تبریزی، محمدحسین، *برهان قاطع*، به کوشش محمد معین، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- رابینو، ه. ل، *مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- سازمان جغرافیایی، *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های جمهوری اسلامی - آمل - چالوس*، جلد ۲۷، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰.
- ستوده، منوچهر، *از آستارا تا استرآباد، آثار و بناهای مازندران غربی*، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت ارشاد و انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ستوده، منوچهر، *از آستارا تا استرآباد*، جلد ۴، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- سجادی، سید محمدتقی، *تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر*، چاپ اول، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۸.
- سورتیچی، سامان، *قلاع باستانی مازندران*، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱.
- شریفیان، علی‌اکبر و مسگری، *آمارنامه استان مازندران*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران، ۱۳۷۹.
- فهیمی، سید حمید، *فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان‌شناسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمیرا، ۱۳۸۱.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، چاپ اول، تهران، انتشارات قفئوس، ۱۳۸۰.
- کیانی، محمد یوسف، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- کیانی، محمد یوسف، *شهر جرجان*، در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
- لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- مادلونگ، ویلفرد، *پادوسپانیان*، اباختر، ترجمه سودابه مهدوی، چاپ اول، بابل، انتشارات پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمدحسین تسییحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵.
- مرعشی، سید ظهیرالدین، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
- واندنبرگ، لویی، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

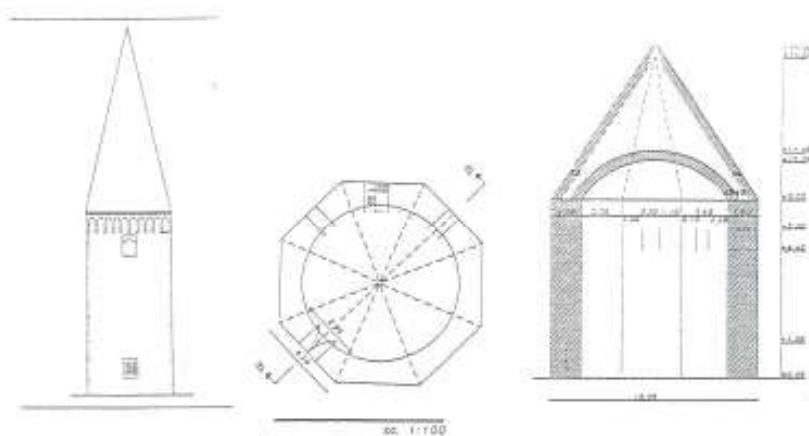


- ویلبر، دونالد و گلمبلک (و همکاران دیگر)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
- هاشمی زرج‌آباد، حسن، کتلوس گنجینه‌ای جاودان از قلمرو غربی پادوسبانات طبرستان، فصلنامه باستان‌شناسی و هنر دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۲ و ۳، سال اول، ۱۳۷۹.
- هاشمی زرج‌آباد، حسن، نقش و جایگاه مقابر مازندران غربی در معماری اسلامی، مجموعه مقالات، نخستین همایش هنر اسلامی، به کوشش محمد خزاعی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
- Bivar, A.D., and G. Fehervari, "The walls of Tamisha", *Iran*, TV, 1966.
- Bivar, A.D.H., *Catalogue of the western Asiatic Seal in the Brithish Museum*, London, 1969.
- Honigman, E., and Maricq, "Recherches surles Res Gestate Divi Saporis", (Brussels, 1953), A.Maricq. classica Ct orientalia, Paris, 1965.
- Morgan, J.D., "Recherches Archeologiques de missionscientifique Francaise en Perse", Paris, 1905.
- Pope, A.U., *A surevey of persian*, London and New York, 1938.
- Stark, Freya, "The site if the city of kalar in kalardasht", IRGSLXXXIII, 1934.

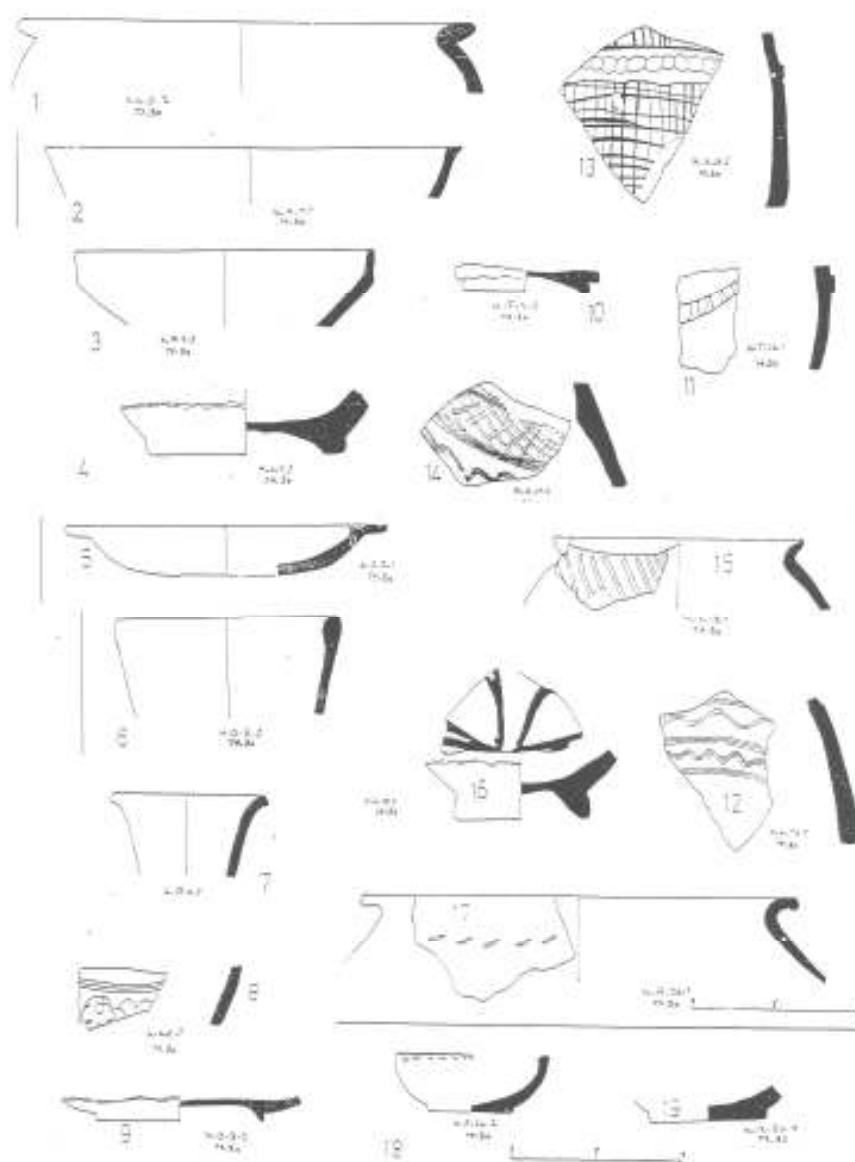




نقشه ۳-۴ پلان، برش و نمای مقبره‌ی طاهر مطهر



نقشه ۵-۷ پلان، نما و برش مقبره دبیر صالحانی



کاتالوگ ۱- طرح سفال‌های منطقه بررسی (رویان)

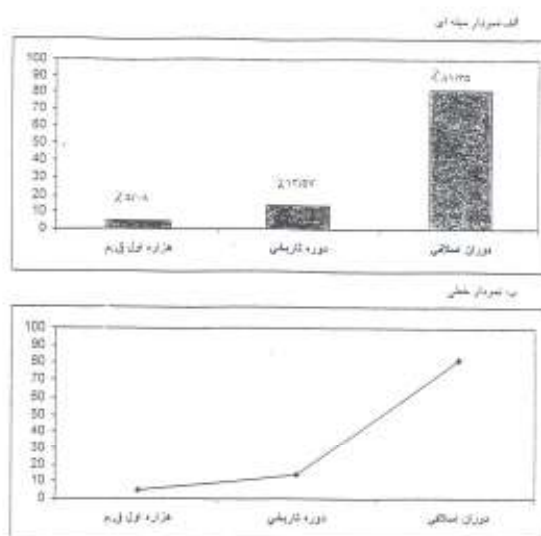


ردیف	رنگ خفیر	رنگ پوشش	شماره	ساخت	نوع تزئین	رنگ تزئین	شماره تپه	شماره تکه
۱	قرمز	قرمز	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	قهوه ای	۶
۲	نخودی	نخودی	ماسه	چرخ ساز	کافی	رنگ	قهوه ای	۷
۳	نخودی	نخودی	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	سبز	۴
۴	نخودی	نخودی	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	سبز	۷
۵	نخودی	نخودی	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	گنده و قهوه ای و سبز	۲
۶	خاکستری	خاکستری	ماسه بادی	چرخ ساز	کافی	رنگ	گنده و قهوه ای	۸
۷	خاکستری	قرمز	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	سبز	۴
۸	قرمز روشن	نخودی و لعاب سبز و زرد	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	گنده و قهوه ای و سیاه	۶
۹	قرمز	لعاب زرد	ماسه بادی	چرخ ساز	کافی	—	—	۸
۱۰	نخودی	نخودی و لعاب سبز	شن نرم	چرخ ساز	کافی	رنگ	گنده و قهوه ای و سبز	۲
۱۱	خاکستری	خاکستری	شن	دست ساز	کافی	گنده	سبز	۱۲
۱۲	قرمز روشن	قرمز روشن	شن	چرخ ساز	خاکالی	گنده	—	۱۹
۱۳	خاکستری	قرمز روشن	شن	چرخ ساز	کافی	لغزیده و رنگی	خاکستری	۱۹
۱۴	قرمز	قرمز	شن	چرخ ساز	کافی	گنده	قهوه ای و سبز	۱۹
۱۵	قرمز	قرمز	شن	چرخ ساز	کافی	گنده	سبز	۱۸
۱۶	قرمز	قهوه ای	شن	چرخ ساز	کافی	براقه	—	۱۹
۱۷	خاکستری	قرمز قهوه ای	شن	چرخ ساز	کافی	گنده	—	۲۰
۱۸	نخودی	نخودی	ماسه بادی	چرخ ساز	کافی	—	—	۲۰
۱۹	نخودی	داخل لعاب زرد خارج نخودی	شن	چرخ ساز	کافی	رنگ	قهوه ای و سبز	۲۰

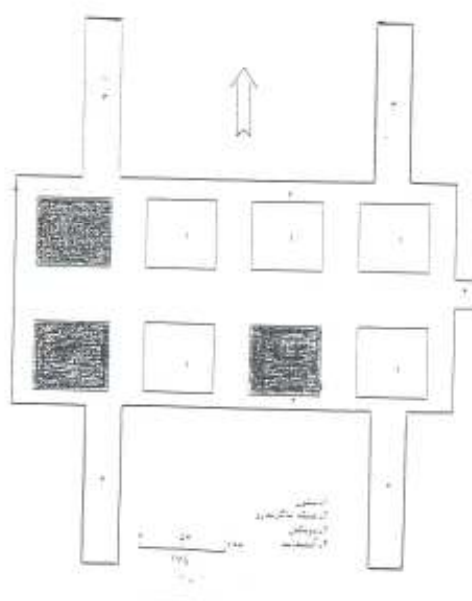
جدول ۱- مشخصات فنی سفال‌های رویان، براساس جدول مانسل

جدول ۲- جدول آثار، تپه‌ها و محوطه‌های شناسایی شده رویان در بررسی دو فصل ۸۰- ۱۳۷۹

[illegible]



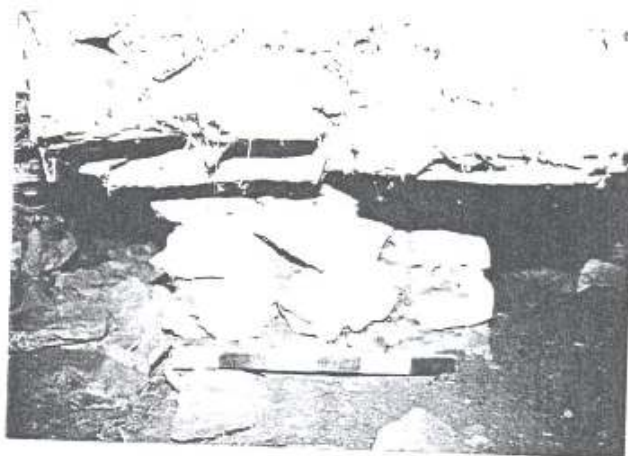
نمودار ۱- وضعیت پراکنده‌گی محوطه‌ها و استقرارهای رویان در دوره‌های مختلف فرهنگی



پلان ۱- ناستگ، شبکه‌ی هم‌راهِ دهی حمام (ستون، شبکه‌ی هم‌راهِ رو، دودکش، آتشیخانه)



تصویر ۱- ناسنگ، بقایای دیوار مسکونی محوطه ناسنگ، دید از غرب



تصویر ۴- ناسنگ، شبکه شمال شرق گرمادهی حمام، دید از شمال شرق



تصویر ۲- تاسنگ، نمای برج مقبره درویش امیر، دید از شمال غرب



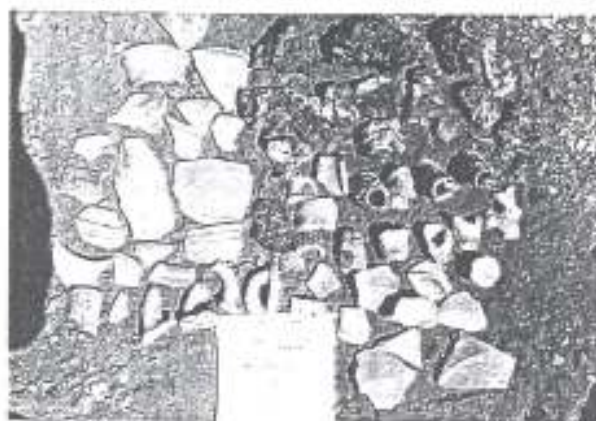
تصویر ۳- تاسنگ، نمای داخلی مقبره درویش امیر و آثار حفاری‌های غیر مجاز



تصویر ۵- کندیوس. ظرف لوله‌دار خاکستری تپه دیوارک عصر آهن I



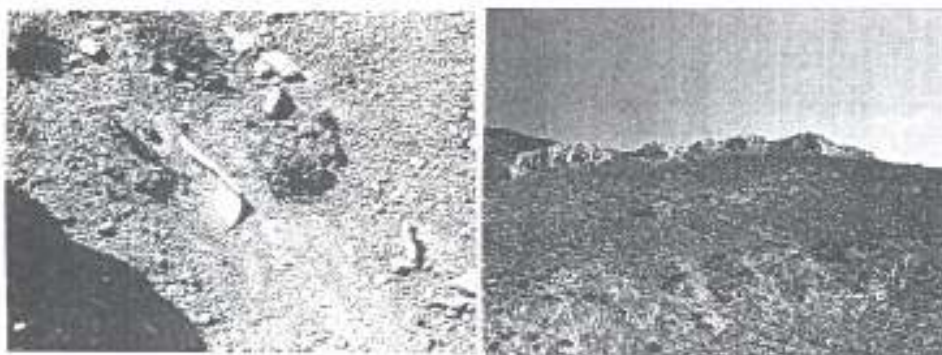
تصویر ۶- لاشک، سفال‌های تپه‌ی پیدابک لاشک (دوره‌ی پارتنی و هزاره‌ی اول ق.م)



تصویر ۷- تپه‌ی آقله، سفال‌ها، لوله‌های سفالی دم آهنگری و سرباره‌های ذوب فلز

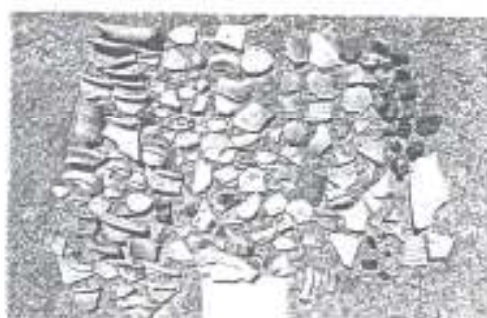


تصویر ۸- آقله، بوتله‌های ذوب فلز (سرباره‌ها)



تصویر ۱۰- کجور، تپه سغالی مکتشفه شبکه آبرسانی قلعه

تصویر ۹- کجور، بقایای دیوار شمالی قلعه



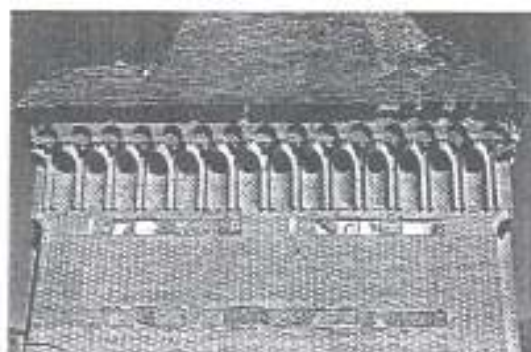
تصویر ۱۱- کجور، سفال‌ها جوش گوره‌ها و سه پایه‌های سفالی ویژه سفالگری



تصویر ۱۲- نمای عمومی امامزاده ابراهیم آمل (شرق مازندران)



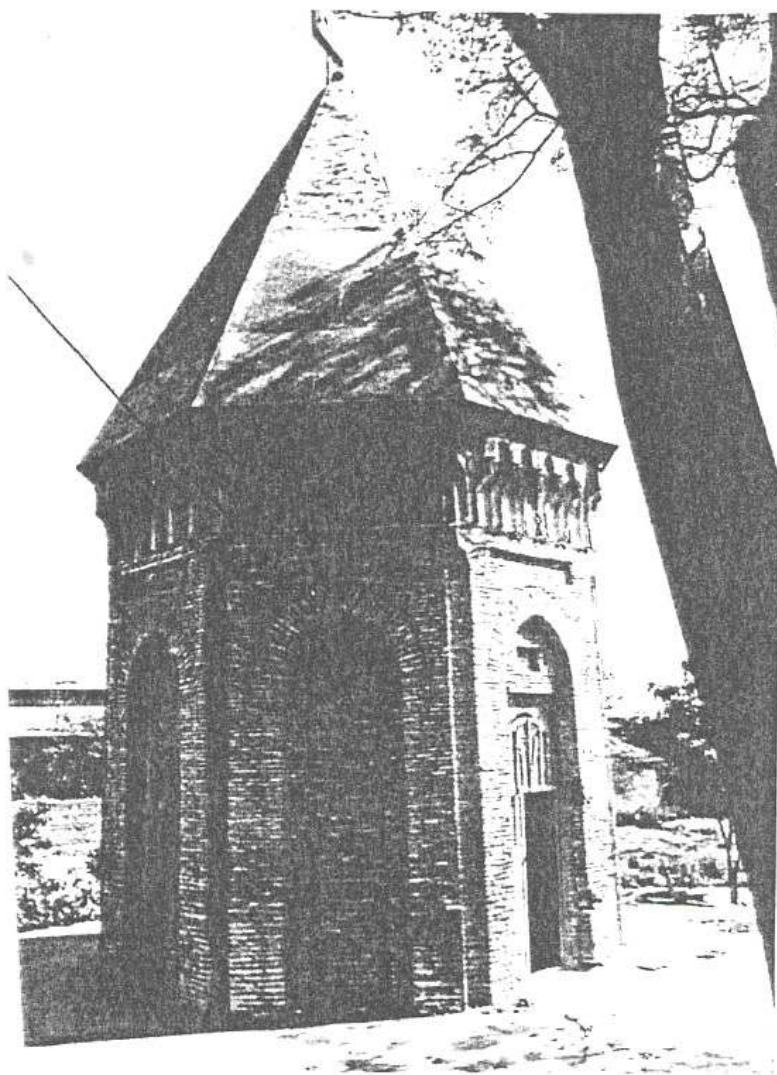
تصویر ۱۲- نمای خارجی مقبره مافار غلیبر



تصویر ۱۳- کتیبه‌ها، قبیل پوش‌ها و مقرنس‌های تزئینی مقبره بی مافار غلیبر



تصویر ۱۵- نمای خارجی مقبره سید محمد کیا دبیر صالحانی، دید از جنوب غرب



تصویر ۱۶- نمای خارجی مقبره میرحیدر آملی با پلان هشت ضلعی (شرق مازندران)